

تحلیل محتوای کتاب عربی پایه هشتم بر اساس معیارهای انتخاب و سازماندهی محتوا از دیدگاه معلمان شهر یاسوج

اسحق رحمانی^{۱*}، وحید اعظمی نژاد^۲

۱- دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، ایران.
۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، ایران.

چکیده

کتاب درسی ابزار و وسیله‌ای برای تحقق اهداف مرسوم در فعالیت آموزشی و پرورشی است. اهمیت کتاب درسی در تمام سطوح آموزشی در نقشی است که برای هماهنگی با دیگر عناصر ایفا می‌کند. تحلیل محتوا از مهمترین روش‌های پژوهشی است که به وسیله آن نقاط قوت و ضعف کتاب مورد نظر بر اساس معیارهایی که کتاب جدید تدوین شده، تحلیل می‌شود. جامعه آماری پژوهش حاضر تعداد ۱۱۸ نفر از معلمان عربی پایه هشتم شهر یاسوج است. ابزار پژوهش پرسشنامه ۴۱ گویه‌ای است که شامل شش معیار اصلی نیازمندی جامعه، علاقه مندی، اهمیت و فایده، قابلیت یادگیری، توالی و استمرار است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار تحلیل آماری (SPSS) از طریق محاسبه میانگین آماری، انحراف معیار و آزمون (t) صورت گرفت. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که ارزیابی کلی معلمان از کتاب عربی پایه هشتم در سطح خیلی زیاد است. همچنین از دیگر نتایج این بررسی، شناخت روش‌های مؤثر در یادگیری دانش آموزان و تشویق آنان به اعتماد به نفس و خودباوری در یادگیری است، درحالی‌که در کتاب قدیم صرفاً توجه به یادگیری و حفظ قواعد صرفی و نحوی مورد توجه بوده است.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوی، کتاب درسی، کتاب عربی هشتم.

آموزش زبان عربی بر اساس کاربردشناسی و گفتمان بین فرهنگی

سعد الله همایونی *

استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، ایران.

چکیده

زبان همچنانکه مهمترین ابزار بیان خواسته‌های ذهنی و قلبی انسان‌هاست، آینه تمام‌نمای زندگی مادی و معنوی جوامع بشری نیز محسوب می‌شود. بر پایه همین موضوع، صاحب‌نظران حوزه‌های مختلفی از قبیل زبانشناسی، روانشناسی آموزشی، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات، مطالعات فرهنگی و ... سازوکار ساختار زبان‌ها و نظام‌های زبانی را از منظر ترکیبی، معناشناختی و کاربردشناختی بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های مزبور از طریق تحلیل فرایند بیان و درک متقابل ارتباطات کتبی یا شفاهی، زمینه مناسب ارائه روش‌های جدید آموزشی در حوزه یادگیری زبان را فراهم آورده است. با این هدف، پژوهش حاضر در صدد است بر اساس روش توصیفی - تحلیلی از منظر مفاهیم نظری نحو کاربردی و در سایه کاربردشناسی و گفتمان بین فرهنگی، رویکردی تازه در فرایند آموزش زبان عربی ارائه کند. در این رویکرد، مواد درسی در چارچوبی کاربردشناختی - بافتی عرضه می‌شود تا زمینه اندیشیدن در زبان عربی را برای دانشجو فراهم کند و به تبع آن، زبان را متناسب با بافت‌های زبانی و کاربردی به کارگیرد.

واژگان کلیدی: زبان و فکر، رویکرد کاربردی، گفتمان بین فرهنگی، آموزش زبان عربی.

ارزیابی برنامه آموزش نحو عربی در دبیرستان های دولتی سومالی

عاصم شحادة علي*^۱، أحمد محمد عبدالرحمن^۲

۱- استاد بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین المللی اسلامی، مالزی.

۲- دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین المللی اسلامی، مالزی.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی برنامه درسی آموزش نحو عربی در دبیرستان های دولتی سومالی می پردازد. هدف پژوهش بررسی مشکلات و عناصر مرتبط با برنامه یادشده است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و ابزار پژوهش، پرسشنامه ویژه معلمان است. از تحلیل آماری توصیفی برای ارزیابی نه محور پرسشنامه، از تحلیل فرضیات برای بیان ارتباط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته و از تحلیل آماری به وسیله نرم افزار SPSS برای بررسی داده ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می دهد که از نظر معلمان برنامه فعلی متناسب با دانش آموزان سومالی نیست. این برنامه بر اساس نیازهای جامعه سومالی ارزیابی و بازنگری نشده است و واقعیت موجود آموزش عربی در مدارس سومالی نشان دهنده عدم جذابیت برنامه درسی آموزش نحو عربی است. دیگر عوامل نظیر فقدان کتاب درسی، کمبود معلمان در بیشتر مدارس و نبود دوره های آموزشی کافی برای معلمان، سبب ضعف دانش آموزان و پایین آمدن سطح آنها در مهارت های زبانی مثل شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن شده است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، نحو عربی، دبیرستان های سومالی.

بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته زبان و ادبیات عربی با نیازهای دانشجویان

حسن دادخواه تهرانی^{۱*}، علی بیرمی پور^۲، رؤیا محمدی^۳

- ۱- استاد بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.
- ۲- استادیار بخش برنامه ریزی درسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.
- ۳- دانشجوی دکتری بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

چکیده

برنامه درسی از مهمترین عوامل مؤثر بر کیفیت دانش‌آموختگان در آموزش عالی است. برای تقویت و انسجام برنامه‌های درسی در آموزش عالی، باید به طور اساسی برنامه‌های درسی را ارزیابی کرد و در صورت لزوم تغییراتی را متناسب با نیازهای فراگیران ایجاد کرد. هدف پژوهش حاضر شناسایی میزان انطباق برنامه درسی رشته زبان و ادبیات عربی با نیازهای علمی، فردی، اجتماعی و شغلی دانشجویان است. روش پژوهش توصیفی و پیمایشی است. ابزار پژوهش پرسشنامه متشکل از ۵۱ سؤال است که میزان انطباق برنامه درسی رشته زبان و ادبیات عربی را با نیازهای دانشجویان بررسی می‌کند. جامعه آماری و نمونه انتخابی پژوهش یکسان و هر دو شامل تمام دانشجویان سال اول مقطع کارشناسی ارشد سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های شهید چمران اهواز، شیراز، اصفهان و مازندران است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه، از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، واریانس و انحراف معیار استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان انطباق برنامه درسی رشته زبان و ادبیات عربی با نیازهای دانشجویان کمتر از حد متوسط است. به عبارتی دیگر برنامه درسی رشته مذکور پاسخگوی نیاز دانشجویان نیست.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، رشته زبان و ادبیات عربی، نیاز علمی، نیاز فردی، نیاز اجتماعی، نیاز شغلی.

* نویسنده مسوول: h.dadkhah@scu.ac.ir

نقش بافت زبانی در آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبانان

روح الله صیادی نجاد*

دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، ایران.

چکیده

برخلاف جوامع غربی، ارتباط در جهان عرب تا اندازه بسیار زیادی مبتنی بر «سیاق» است. فرهنگ‌های خاورمیانه که بسیاری از کشورهای عربی جزو آن است، در اعتماد و تکیه بر بافت، بعد از «ژاپن» در مرتبه دوم قرار دارد. جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد نقش «بافت زبانی» را در آموزش زبان عربی تبیین نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نظریه بافت، رکن اساسی در آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبانان است و سیاق جمله، از جمله سیاق‌های پرکاربرد در پویا ساختن زبان فراگیرنده زبان عربی است. روش « طرح سؤال از خود»، ابزاری کارآمد در رشد استقلال یادگیرنده زبان است. روش‌های «خلاصه‌کردن پاراگراف»، «هم‌آبی‌ها» و «پرکردن جای خالی» ذخیره واژگانی فراگیرنده زبان عربی را افزایش می‌دهد و قدرت وی را در درک مفاهیم کلمات از طریق بافت‌های گوناگون افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: آموزش زبان عربی، بافت زبانی، رفتارهای زبانی، ارتباط.

* نویسنده مسوول: saiady@kashanu.ac.ir

رابطه انگیزش یادگیری و خودارزیابی با مهارت نوشتاری دبیران عربی

اسماعیل نادری^{۱*}، جواد کارخانه^۲، فریدون رضوانی^۳

- ۱- استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، ایران.
- ۲- استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران.
- ۳- عضو هیأت علمی بخش روانشناسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

چکیده

در این پژوهش رابطه انگیزش یادگیری و خودارزیابی با مهارت نوشتاری دبیران عربی بررسی شده است. نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی (همبستگی) است. از بین دبیران عربی مدارس متوسطه شهرستان‌های غرب استان گلستان، بر اساس فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده، ۶۳ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه هنجاریابی شده انگیزش یادگیری زبان گاردنر (۱۹۸۵) و پرسشنامه‌های محقق ساخته سنجش میزان مهارت نوشتاری و خودارزیابی مهارت نوشتاری (با ضریب آلفای ۰/۹۵ و ۰/۷۱) به دست آمده است. با توجه به طبیعی بودن توزیع متغیرهای تحقیق، جهت بررسی همبستگی و رابطه بین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون (r) و ضرایب آزمون رگرسیون (R^2 و β) (به عنوان آزمون‌های پارامتریک) استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین انگیزش یادگیری زبان عربی با خودارزیابی دبیران از مهارت خود در نوشتن متن عربی و بین انگیزش یادگیری زبان عربی با مهارت نوشتاری متن عربی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه بین خودارزیابی دبیران و مهارت نوشتاری متن عربی نیز مثبت و معنادار است.

واژگان کلیدی: انگیزش یادگیری، خودارزیابی مهارت، مهارت نوشتاری، دبیران عربی.